



درس 15

خوا استثنا



یه روز ژاله و منیژه که با هم خواهر بودن می خواستن برن مهمونی ، علی کوچولو برادرشون گفت: من می خوام با شما بیام. ژاله و منیژه گفتن : نمی شه چون اگه بیای خیلی سر و صدا می کنی. علی کوچولو خیلی ناراحت شد. یک دفعه مادرشون از راه رسید و گفت: چی شده؟ علی گفت: سو سن و سارا منو مهمونی نمی برن، چون تو سر و صدا می کنی. مادر علی گفت: اگه قول بدی که سر و صدا نکنی من ازشون خواهش می کنم که شما رو هم با خودشون ببرن. علی کوچولو قول داد که اصلا صداش در نیاد و تو مهمونی ساکت بشینه.



ژاله و منیژه و علی با هم به مهمونی رفتن و کلی بهشون خوش گذشت. تو مهمونی شروع کردن به کارت بازی. روی کارت ژاله حرف (خ) نوشته شده بود، کارتش رو آورد بالا و با صدای بلند خواند. روی کارت علی کوچولو حرف (و) بود ولی چون علی قول داده بود حرف نزنه هیچی نگفت. روی کارت منیژه حرف (ا) نوشته شده. کارتشون بالا آورد و با صدای بلند خواند.



ا



و



خ





خوابیدن



خواندن



تخت خواب



کتاب خوانی



مَنْ خواهرِ خوبی دارم .

خواهرم، آزاده، قبل از خواب برای

مَنْ کتاب می خواند .

مَنْ داستان های شاهنامه را دوست دارم .

ما هم دیگر را دوست داریم .

خوا



خواهش

خواندن

خواست

استخوان

می خواستم

می خوانم

تخت خواب

خواب

خواهر



عزیزم جاهای خالی را کامل کن

من از خواهرم کردم (خواهش. خوابیدم)

من داستان های شاهنامه را (می خوانی. می خوانم)

ما خانه ای سه داریم



مرتب کنید

تمیز-خواهرم-مرتب-می نویسد- و

دوست-خواندن-دارم-قرآن-من-را



خوا

- خواهر - خواب - می خواهد - خواهش - خواستن - خوابیدن -
- گیاه خوار - می خواند - خواندن - تخت خواب - خواستگار -
- درخواست -

پدر هر شب برای من و خواهرم کتاب داستان می خواند.
 بسیاری از جانوران در جنگل گوشت خوار هستند.
 من از مادر خواهش کردم تا روی تخت خواب عروسک بپوشم.
 خوابیدن روی چمن بسیار جالب بود.



پروانه ی رنگی چه دختر قشنگی

